

متن پرسش

سلام استاد. درود بر شما به گرمای پاسخهایتان. استاد مدتی است هر زمان احساس می‌کنم قلبم زنگار گرفته روایت فتح را می‌بینم، با شهدا مانوس می‌شوم و اشک می‌ریزم و خدا می‌داند جقدر احساس می‌کنم زلال می‌شوم، استاد نمی‌دانم چرا اینقدر صدا و کلام و جنس حرفهای شهید آوینی قلبم را روشن می‌کند و اشکم را جاری. استاد خوب ما، آیا این ارتباطات تاثیری در روحانیت قلب دارد یا ما داریم راه را اشتباه می‌رویم و باید مستقیم سراغ امام حسین برویم. به نظرم می‌رسد من به آن شدت هنوز ظرفیت ارتباط مستقیم با خود سیدالشهداء را ندارم. استاد من اصلاً نه جبهه‌ها را دیده‌ام و در زمانی که جنگ تمام شد کودک بودم اما نمیدانم چرا اینقدر قلبم در آنجا حضور دارد. استاد راهنمایم کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شهید آوینی با ملکوت حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» آشنا شده بود و از آن زاویه به شهدایی نظر می‌اندازد که ظهور ملکوت حضرت روح الله هستند. حضرت روح الهی که با سیر و سلوک خود عالی‌ترین آشنایی را با اهل‌البیت «علیهم‌السلام» پیدا کرده، پس به حمدالله قصه‌ی شما قصه‌ی رجوع کامل به حضرت سیدالشهداء «علیه‌السلام» است مواظب باشید جاده را گم نکنید. جاده‌ی روایت فتح به نور رسول خدا «صلوٰة‌الهل علیه‌وآله» ختم می‌شود. موفق باشید